



هدفمند کردن اقتصاد در آینه حکومت علوی

Targeted Economy in the
Mirror of the Alavi Government

نیما بهدادی مهر*

چکیده:

هدفمند کردن نظام توزیع و بهره‌وری مالی، منطبق بر تغییرات صورت گرفته در تفکر بشر پسامدرن و تحول سبک زندگی و چارچوب‌های کسب درآمد، نسبت به مدل رفتاری انسان‌ها در عصر پیشامدرن، دارای متغیرها و پارادایم‌های متفاوتی از زمینه فکری جامعه بشری در دوران و اعصار گذشته است. البته با توجه به این که ساحت اندیشه اجرایی در مدیریت اسلامی- ایرانی از زمینه‌ای اعتقادی بهره می‌برد و قالبی ارزشی و آرمانی از الگوی حکومتی اسلامی در تجربه بی‌بدیل امیرمؤمنان علی (ع) را سرلوحه و سرمشق کار خود قرار داده است و از سویی، با عنایت به تفاوت‌های غیر قابل انکاری که در مدل و سبک رفتاری و بینشی جامعه صدر اسلام و بشر هزاره سوم وجود دارد، باید چارچوب‌ها و ارکان نظری توفیق اقتصادی حکومت علوی در استقرار عدل و مساوات و رساندن جامعه به رفاهی نسبی، به عنوان یک نمونه کاربردی در قالبی روزآمد تبیین شود.

برآیند این رویکرد به عنوان یک راهبرد اصیل، شکوفایی و تحول اقتصادی را نه به عنوان یک آرزوی دور از دسترس، بلکه در قالبی دست یافتنی جلوه‌گر می‌سازد که این امر جز در پرتو تحلیل صحیح از شرایط استقرار ارزش‌های دینی در مسیر اجرای برنامه‌های استراتژیک اجتماعی- اقتصادی محقق نخواهد شد. از این بُعد هدفمند کردن یارانه‌ها به عنوان یک جراحی بزرگ اقتصادی که مؤلفه‌ای چون تحقق عدالت و برابری اجتماعی را به عنوان هدف کلیدی خود مدنظر قرار داده، امروزه به یک دغدغه ملی تبدیل شده است. به واقع، اگرچه این طرح هدفی متعالی و آرمانی اجتماعی را در مسیر مؤلفه‌های راهبردی خود مستقر نموده و سرلوحه‌ی کار قرار داده است، اما به دلیل آنکه رسیدن به مقصود در فرآیندی بلندمدت امکان پذیر است و تجربه اجرایی دولت‌ها، نمایانگر تنوع رویکرد و تعدد مراکز تصمیم‌گیری و اجرا برای طرح‌های ملی است، به نظر می‌رسد راهکار مناسب جهت مدیریت موثر بر طرح هدفمند کردن یارانه‌ها، تشکیل دفتر تحقیقاتی و مطالعاتی راهبرد تحول اقتصادی از دریچه دین مبین اسلام باشد. بر این اساس در راستای رساندن جامعه به رفاه نسبی، الگوی بی‌بدیل حکومت علوی، چراغ راه هر تحقیق و تحلیل مبتنی بر آموزه‌های دینی است و در متن حاضر، این مدل تحلیلی کارآمد را پایه ارزیابی و سنجش تطبیقی قرار داده ایم و گفتمان عدالت اجتماعی، به عنوان مؤلفه حقیقی در توفیق اقتصادی حکومت علوی بررسی شده است.

کلیدواژه: عدالت اجتماعی، عدالت اقتصادی، تعدیل نابرابری‌های اجتماعی

مقدمه:

هنگامی که از امام علی (ع) می‌گوییم، ذهنمان بر روی یک کلمه معطوف می‌شود و آن عدالت است؛ به واقع، عدل علوی در طی یک فرآیند و روند ۵۳ ساله، از ۱۰ سالگی و در جریان اسلام آوردن ایشان آغاز و تا ۶۳ سالگی و شهادت ادامه می‌یابد. چنانکه در هنگام شهادتش این ندای غیبی به گوش رسید که «علی به دلیل شدت عدلش در محراب عبادت به شهادت رسید»^(۱).

از این بُعد، با نگاهی بر زندگانی سیاسی امام علی (ع) به کلیدواژه‌ها و آموزه‌هایی برمی‌خوریم که بر پایه حقوق انسانی بنا نهاده شده و مفاهیم آزادی، عدالت، رفاه، امنیت، نظم و ... که آرزوی دستیابی به آنها توسط دولت‌ها در مدتی طولانی امکان‌پذیر می‌شود، به بهترین نحو در دورانی چهار سال و نه ماهه در جامعه کوفه مجال اجرا می‌یابد، اما به دلیل عوامل مختلف از جمله نوپایی ساختارهای اجتماعی کوفه، سیاست‌های دوران سه خلیفه اول و تغییر نگرش مسلمانان به ارزش‌ها در پی اعمال این سیاست‌ها، همچنین فتوحات و کشورگشایی‌ها و تأثیرپذیری جامعه اسلامی از فرهنگ ملل مغلوب و بسیاری موارد دیگر، در نهایت جنبش علوی ناتمام ماند و امیرمؤمنان علی (ع) در مسیر استقرار ارزش‌های قرآنی در بطن تفکر اجتماعی با کارشکنی‌های بسیاری مواجه شد و در محراب عبادت با شمشیر جهالت و کینه ابن‌ملجم مرادی به شهادت رسید و به عرش اعلیٰ عروج نمود.

در تحقیق پیش‌رو، ضمن برشمردن شرایط محیطی سال ۳۵ هجری قمری و اوضاع سیاسی اجتماعی دوران خلافت علوی، به ارزش‌های اعتقادی نظریه اجرایی امیرمؤمنان علی (ع) در دو قالب متلازم و همسو از مترادف معنایی و اجرایی میان آزادی مشروع و عدالت پرداخته و با بررسی دلایل ناخشنودی سران عرب از حکومت علوی، اصول و آرمان‌های مستقر در حکومت ایشان را بازبینی می‌نماییم و به موانع و مشکلات این امام همام در استقرار الگوهای ارزشی منطبق بر قرآن در بطن تفکر اجتماعی خواهیم پرداخت.

شرایط محیطی دوران خلافت علی (ع)

امام علی (ع) زمانی به خلافت رسید که اقوام و جمعیت‌های فراوانی به ظاهر اسلام آورده بودند، اما هیچ‌گاه تحت تعلیمات صحیح دین اسلام واقع نشده بودند، زیرا اصحاب پیامبر (ص) با درآمدهای بالای اقتصادی که پس از فتوحات و کشورگشایی‌های دوران خلفا به دست آوردند، فرصت بهره‌گیری صحیح از تحولات فرهنگی به وجود آمده را نداشتند و جامعه دچار شکاف طبقاتی و سیاسی شدیدی شده و از تعالیم نبی مکرم اسلام (ص) فاصله گرفته بود.

تعداد کمی از صحابه‌نمایان با دراختیار گرفتن زمام امور جامعه، مالک دین و دنیای مردم گشته بودند و به قول امام علی (ع)، مردم را مانند کلاغ در چنگال خود داشتند. با توجه به چنین شرایطی است که مولا علی (ع) با رهگیری دلایل و علت‌های نهادینه شدن بحران و تنش بر فضای سیاسی و اجتماعی جامعه اسلامی، در همان سخنرانی روز اول بیعت، فرمود:

«من مردی از شما هستم و سود و زیان ما یکی است. خداوند میان شما و دیگر مسلمانان درهای رویارویی را گشوده و فتنه‌ها همچون پاره‌های شب تار روی آورده‌اند. رویارویی با این فتنه‌ها، تنها کار کسانی است که صبور و با بصیرت باشند و جای هر چیز را بدانند»^(۲).

امیرمؤمنان (ع) در بیانی دیگر تأکید کرد:

«خداوند خود می‌داند که من به خلافت از آن جهت که ریاست و قدرتی است، علاقه‌ای ندارم. آن گروهی که دنیا آنها را در خود غرق ساخته و برای خویش املاک، نهرها، اسبان عالی و کنیزکان زیباروی تهیه کرده‌اند، فردا وقتی همه اینها را از آنان گرفتیم و به بیت‌المال برگردانیم و به اندازه حقوقشان به آنها دادم، نگویند علی ما را فریفت؛ اول چیزی می‌گفت و اینک به گونه‌ای دیگر عمل می‌کند. من از همین لحظه، برنامه روشن خود را اعلام می‌کنم. البته من منکر فضیلت صحبت و سابقه خدمت افراد نیستم، اما اینها

چیزهایی است که خداوند خود پاداش آن را خواهد داد و این امور نباید ملاک تبعیض واقع شود».^(۳)

با توجه به این شرایط سیاسی و اجتماعی بغرنج است که در رهگیری دلایل توفیق اقتصادی حکومت علوی در دوران چهارسال و نه ماهه، به قطب مفهومی عدالت اجتماعی می‌رسیم.

گفتمان عدالت در نظریه اجرایی امیرمؤمنان(ع)

از منظر اقتصادی، کارنامه عملکرد امام علی(ع) در زمره درخشان‌ترین نمونه‌های تجربی به حساب می‌آید. ابن‌شهر آشوب در اثر ارزشمند خود با عنوان مناقب آل ابی‌طالب به جمله‌ای از حضرت علی(ع) استناد می‌کند که نشان‌دهنده کارنامه اقتصادی حکومت امام(ع) است. متن این فرمایش چنین است: «در کوفه کسی نمانده که در شرایط رفاه به سرنبرد، حتی پایین‌ترین افراد نان گندم می‌خورند، سرپناه دارند و آب فرات را می‌آشامند».^(۴)

در تفسیر این بیان کوتاه که حاوی کارنامه‌ای عظیم و کم‌نظیر می‌باشد، باید در نظر داشت که عناصر سه‌گانه تأمین غذا، مسکن و آب در آن دوران با ویژگی‌هایی که ابن‌شهر آشوب به آن اشاره کرده، به خصوص آب‌گوارا و بهداشتی و نان با کیفیت اعلاء به معنای دستیابی جامعه تحت حکومت ایشان به قله‌های رفاه در آن زمان می‌باشد.

سوالی که به طور طبیعی مطرح می‌شود این است که دستیابی به چنین کارنامه‌ای در چنان مدت کوتاهی چگونه میسر شده است؟

مجموعه بیانات امام در نهج‌البلاغه نشانگر آن است که تمامی تدابیری که ایشان به کار بسته‌اند را باید در ترکیب آزادی مشروع و عدالت جستجو نمود.

در خطبه ۲۱۶ نهج‌البلاغه در بیان کارکردهای اجتماعی عدل و ظلم، مولای متقیان(ع) نکاتی را یادآور می‌شوند که امروز نیز تکان‌دهنده و الهام‌بخش است. ایشان در بیان

کارکردهای اجتماعی عدل، بیش از هر چیز به ثبات سیاسی و ماندگاری دولت، تحقق اصلاحات واقعی در سطح محیط و تبدیل آزمندی‌های دشمنان به نومیدی تأکید دارد.

در بیان پیامدهای اجتماعی ظلم نیز، امام به آشکار شدن نشانه‌های جور، به وجود آمدن اختلاف کلمه، افزایش دغل‌کاری و فریب‌کاری در دین، متروک ماندن سنت‌های محوری رسول اکرم(ص)، مبنای عمل قرار گرفتن هوی و هوس، به تعطیلی کشیده شدن قانون، فزونی گرفتن بیماری‌های نفسانی، زدوده شدن حساسیت‌ها نسبت به تعطیلی حق و عمل به باطل و بالاخره به ذلت افتادن نیکان و عزت یافتن اشرار، اشاره دارد.

امام براساس این نحوه نگرش به جایگاه عدالت اجتماعی است که در خطبه شقشقیه تلقی خود را از دلایل پذیرش حکومت مطرح می‌سازد و برای حکومت نیز تنها به این اعتبار، ارزش قایل می‌شود که امکانات لازم را برای ادای پیمانی که میان علما و خداوند برقرار شده است، فراهم سازد. از منظری دیگر، با رجوع به کتاب‌های روایی دست اول، سازوکار استقرار آزادی در سطح جامعه را می‌توان در چارچوب نگاه انسانی امیرمؤمنان و برخورد بشر دوستانه ایشان با خوارج رصد کرد. طبری در صفحه ۵۴ از جلد چهارم تاریخ خود می‌نویسد: «خوارج برای تحریک علی(ع) و به انفعال کشیدن وی در زمینه آزادی‌های اجتماعی و مجبور ساختن او برای استفاده از زور در جهت خاموش ساختن مخالفان، بر سر نماز امام حاضر می‌شدند و با صدای بلند به قرائت قرآن می‌پرداختند؛ امام(ع) در برابر این اقدام خوارج به حکم قرآن گردن می‌نهد و بدون آنکه کوچکترین واکنشی نشان دهد، آن قدر تأمل می‌کرد تا آنها از خواندن قرآن خسته شوند و سپس نماز را ادامه می‌داد».

همچنین در خطبه ۲۱۶ نهج‌البلاغه با سیمای الهی امام علی(ع) از طریق نحوه برقراری رابطه با جامعه در بطن این جمله کلیدی روبرو می‌شویم که فرمود:

«با من آن‌گونه که با والیان جبار سخن می‌گویند،

حرف نزنید و چنان که از سخن گفتن در برابر مردم بی‌باک خودداری می‌کنید با من در صحبت و همنشینی تظاهر ننمایید».

امام در فرمان نامه مالک نیز اصول انسانی حکمرانی را در قالب این جملات به تاریخ عرضه می‌کند:

«ای مالک در مجالس عمومی بنشین، با مردم فروتنی بنما و سربازان، یاران، نگهبانان و مأموران ویژه‌ات را از آنان دور بدار، به گونه‌ای که هر کس میان آنها اهل حرف زدن است، بتواند به راحتی و بدون لکنت زبان، سخن خود را بگوید».

امام (ع) در فراز دیگری از خطبه ۲۱۶ با اصرار از مردم تقاضا می‌کند که انتقاداتی را که نسبت به وی روا می‌دانند،

صرف نظر از توانایی‌های فکری و سوابق درخشان مبارزاتی وی و نزدیکی‌اش با رسول خدا(ص) با ایشان در میان بگذارند و در بیان دلیل چنین تقاضایی می‌فرمایند: «من به هیچ وجه از خطا ایمن نیستم مگر آنکه خداوند مرا کفایت کند» و در ادامه علاوه بر تأکید شدید بر آزادی اندیشه، و بیان حقوق متقابل میان مردم و حکومت، بر نقش اصلاح‌گرایانه آزادی اندیشه اسلامی و بیان قرآنی در هدایت امور به سمت عدالت پافشاری

می‌کنند و بالاخره تأکید ایشان بر این است که حاکم باید شرایط آزادی بیان و اندیشه اسلامی و بسترهای موثر جهت ابراز نقدهای صریح و بی‌پرده از خود را فراهم سازد و در خطبه ۵۳ در زمره وظایف حاکم بر ضرورت اختصاص بخشی از زمانش برای میدان دادن به مردم در جهت برخوردهای صریح با او اشاره دارد و به صراحت اظهار می‌کند که تأکید حاکم بر خواسته‌های خود و بی‌توجهی به رأی دیگران عین ستمگری است.

به این ترتیب علی (ع) به روشنی نشان می‌دهد که

عدالت و آزادی مشروع، لازم و ملزوم و همچنین ملاک شناخت یکدیگر می‌باشند، به بیان واضح‌تر، همان‌گونه که داعیه‌های عدالت خواهانه در شرایط خفقان، سرکوب و فقدان آزادی اندیشه و بیان (تجربه حکومت اموی) به ظلم و بی‌عدالتی می‌انجامد، تأکید بر آزادی بدون داشتن سمت و سوی عادلانه (تجربه حکومت عباسی) به هرج و مرج، ناپایداری و ظلم مضاعف منتهی خواهد شد.

تأکید مکرر علی (ع) بر مسأله شفافیت و تقارن ایده‌ها، اندیشه‌ها و اطلاعات به ویژه در نامه‌های ۵۰ و ۵۳ نهج البلاغه کاملاً مشهود است. در برآیندی کلی، آموزه‌های

راهبردی مولای متقیان در نهج البلاغه، ملازمه و هم‌سویی آزادی اسلامی و عدالت قرآنی را اصلی کلیدی در پیشرفت جامعه اسلامی و حرکت به سوی کمال

و تعالی در جنبه‌های اجتماعی به معنای عام برشمرده و اصل تداوم و بقای رفتار انسانی را در استقرار بی‌کم و کاست مبانی مفهومی آزادی و عدالت در بطن تفکر نظری و عملی جامعه دانسته است و بی‌شک تجربه درخشان امیرمومنان در رساندن جامعه تحت حکومتش به رفاه نسبی به ویژه با توجه به این جریان که از حکومت تقریباً ۵ ساله ایشان حدود ۴ سال در سه جنگ گذشته است، تأیید

و تشویق هر محقق منصفی را نسبت به عملکرد امام اول شیعیان به دنبال دارد.

از منظر دیگر، در زمانی که پست‌های کلیدی در دست بنی‌امیه و اصحاب کبار بود، علی (ع) به خلافت رسید و این پست‌ها را از افرادی که در طی ۲۵ سال، ریشه در اعماق فرو برده بودند و به نام دین، جهاد و شمشیر همه را رام کرده و در قبضه خود درآورده بودند، گرفت؛ به واقع، پنج سال مبارزه علی(ع) برای تحقق عدالت است و روح علوی، مصلحت را در نظر نمی‌گیرد، زیرا حقیقت و عدالت محض و یکپارچه است

من مردی از شما هستم و سود و زیان ما یکی است. خداوند میان شما و دیگر مسلمانان درهای رویارویی را گشوده و فتنه‌ها همچون پاره‌های شب تار روی آورده‌اند. رویارویی با این فتنه‌ها، تنها کار کسانی است که صبور و با بصیرت باشند و جای هر چیز را بدانند

و از این روست که پس از رسیدن به خلافت و در شرایطی که هنوز از بعد ثبات پایه‌های حکومتی، احاطه محیطی بر مرکز حکومت ندارد، معاویه را از امارت شام برکنار می‌سازد و در توجیه تحلیل‌گران سیاسی می‌فرماید:

«اگر این کار را نکنم و لحظه‌ای بر ابقای او صبر کنم، در جنایت، فساد و ظلمی که معاویه در آن لحظه انجام می‌دهد با او شریکم و من نیز مسئول خواهم بود و به قیمت نابودی همه چیز، چنین مسئولیتی را برعهده نمی‌گیرم».

به واقع چارچوب تفکری حکومت علوی بر بنیان عدالت اجتماعی جان گرفته و مولفه اصلی این حکومت، بقای قدرت برآمده از ارزش‌های دینی را در تحقق عدالت می‌جوید و بدین‌سان تعبیر زیبایی جرج جرداق در نام

نهادن تجسم جاودانه عدالت در بستر تاریخ، به‌عنوان صدای عدالت انسانی، بی‌شک برجسته‌ترین تصویر از شمایل مرد برتر عرصه علم و تقوا، جهاد و عدالت، سیاست و عبادت و در بیان ردولف ژاگیر خداوندگار علم و شمشیر می‌باشد. منطبق بر آنچه تا بدین جا گفته شد، می‌توان بستری که امیرمؤمنان (ع) جهت تحقق عدالت با آن رویارو بود را به‌عنوان یکی از

بغرنج‌ترین شرایط محیطی در قاب تاریخ مورد نظر قرار داد و در راستای درک بهتر حماسه بی‌بدیل مولای متقیان در استقرار ایده‌آل‌های اجرایی یک حکومت، باید نظری به موانع و مشکلات بر سر راه محقق نمودن عدالت، آزادی، امنیت و رفاه در جامعه کوفه داشت.

موانع و مشکلات پیرامون حکومت علوی

زمانی که علی (ع) به خلافت رسید، انبوهی از دشواری‌ها در جامعه وجود داشت و آثار منفی اجتماعی و حتی سیاسی برآمده از توسعه فتوحات و همچنین قتل عثمان، از آینده، تصویر تاریکی به‌دست می‌داد. بخشی از مشکلات بر سر راه

حکومت علوی را می‌توان در کمبود موارد زیر در ساختار جامعه جستجو کرد:

۱- عدالت اقتصادی

خلیفه دوم، مقرری پرداختی از دیوان را، براساس سوابق اسلامی افراد و ترکیب قبیله‌ای تعیین کرده بود؛ در این شیوه توزیع ثروت، قریش بر غیرقریش، مهاجر بر انصار، عرب بر غیرعرب (موالی) ترجیح داشتند، در حالی که در زمان پیامبر (ص) چنین نبود.

این وضعیت در کنار بخشش‌های دوران عثمان، فاصله غنی و فقیر را غیرقابل تحمل کرد؛ به گونه‌ای که خمس غنائم، مالیات و جزیه سرزمین‌های فتح شده - که به همه مردم تعلق داشت - تنها در اختیار افراد و گروه‌های خاص قرار می‌گرفت.

براساس گزارش‌های تاریخی، عثمان یک پنجم غنائم آفریقا را که حدود ۲۰۰ تا ۵۰۰ هزار دینار بود، به مروان بخشید. به ابوسفیان هدایای ۲۰۰ هزار درهمی اعطا کرد. یک هشتم ثروت عبدالرحمان بن عوف برادر خوانده و داماد عثمان، پس از مرگش میان چهارهمسرش تقسیم شد

به واقع چارچوب تفکری حکومت علوی بر بنیان عدالت اجتماعی جان گرفته و مولفه اصلی این حکومت، بقای قدرت برآمده از ارزش‌های دینی را در تحقق عدالت می‌جوید

و به هر یک ۸۰ هزار دینار رسید^(۵).

امام علی (ع) در سخنانی نخست خود، سیاست مالی برگرفته از سیره پیامبر (ص) را مطرح کرد. برتری مهاجر و انصار بر دیگران را معنوی خواند و فرمود: «هر که دعوت خدا و رسول را بپذیرد و به قبله مسلمانان نماز گزارد از تمامی حقوق بهره‌مند می‌شود و حدود اسلام درباره همه اجرا خواهد شد».

مخالفت‌ها از همین جا آغاز شد و امام (ع) در برابر اصحاب معترض به این روش که به سنت عمر استناد می‌کردند، فرمود: «آیا سنت پیامبر (ص) شایسته پیروی است یا روش عمر»^(۶).

بسیاری از مورخان نوشته‌اند: «علت جدا شدن برخی اعراب از امام علی (ع) و پیوستن به مخالفان این بود که می‌گفتند: علی در تقسیم اموال، ملاحظه اشراف را نمی‌کند و عرب را بر عجم و موالی آنها برتری نمی‌دهد»^(۷).

شبهه‌ها و انحراف آموزه‌های اسلام از مسیر اصلی بود. مولا علی (ع) در نامه‌ای به مالک از آن سالها چنین یاد کرده است: «دین، اسیر دست شروانی شده بود که هوس‌ها و دنیای خود را از آن طلب می‌کردند»^(۱۱).

۲- عدالت اجتماعی

یکی از آثار فتوحات، اختلاط نژادهای مختلف بود؛ موالی یا اسیران آزاد شده در قیاس با عرب‌ها از حرمت اجتماعی و حقوق مدنی کمتری برخوردار بودند. جامعه، برتری عرب بر موالی را اصلی مسلم می‌پنداشت و این امر برای روحیه عدالت‌خواهانه امام، دغدغه‌ای مهم بود. حضرت علی (ع) از نظر دینی هیچ دلیلی بر درستی این تبعیض نمی‌دید. در حالی که عمر فرمان داده بود بردگان عرب را از بیت المال آزاد کنند، امام (ع) هیچ تفاوتی میان بردگان عرب و عجم نمی‌گذاشت^(۸) و هنگام تقسیم اموال می‌فرمود: «حضرت آدم نه غلام به دنیا آورد نه کنیز، بندگان خدا همه آزادند... اکنون مالی نزد من است و میان سفید و سیاه فرقی نخواهم گذاشت». او در پاسخ اعتراض گروهی از اعراب فرمود: «من در قرآن، برتری عرب بر عجم را ندیده‌ام»^(۹).

۳- انحراف‌ها و بدعت‌ها

انحرافات دینی و بدعت‌ها مهمترین مشکل حکومت علوی بود. ناآگاهی جامعه از دین و نبودن برنامه منسجم در جهت روشنگری مردم، ابعاد این دشواری را پیچیده‌تر می‌ساخت. بسیاری از سخنان پیامبر (ص)، متروکه شده بود؛ بنیان این انحراف‌ها در کنار بستر بیماری نبی مکرم اسلام (ص) با شعار «حسبنا کتاب...» گذاشته شد و با سخن خلیفه اول در توجیه اشتباهاتش به طور ضمنی مورد تأیید قرار گرفت^(۱۰).

این روند نادرست در مرحله‌ای به طور رسمی با بخشنامه‌ها و قوانین ویژه جلوگیری از نقل و نگارش حدیث، به اوج رسید؛ نتیجه طبیعی این کژروی، گشایش راه نفوذ

۴- رفاه‌گرایی و تضعیف ارزش‌های دینی

وقتی خلیفه سوم به بهای تزیین بیت‌المال مسلمانان به رفاه‌گرایی شدید روی آورد، بسیاری از کارگزاران و صاحب منصبان نیز چنین روحیه‌ای یافتند و به تدریج این روحیه به فرهنگ تبدیل شد؛ فرهنگی که با شاخص‌های مسلط بر جامعه جاهلی قابل مقایسه بود.

امام در تحلیل شرایط این برهه تاریخی می‌فرماید: «شما در زمانی به سر می‌برید که گوینده حق اندک است. زبان در گفتن سخن راست ناتوان است. طرفداران حق، خوار و مردم به نافرمانی گرفتارند. جوان جامعه بدخو و پیرش گنهکار است. دانشور مردم، دورو و قاری آنها سودجو است؛ نه خردشان، سالمند را حرمت می‌نهد و نه توانگرشان، مستمند را یاری می‌کند»^(۱۲).

معضل کارگزاران فاسد و استناداران بی‌لیاقت، مشکل نومسلمانان ناآشنا با الفبای اسلام و حضور گسترده منافقان در ارکان تصمیم‌گیری برای جامعه اسلامی، از دشواری‌های مهم دوران حکومت امام علی (ع) است که در تحمیل جنگ‌های داخلی به آن حضرت، نقش اساسی داشت. در یک جمع بندی می‌توان مهمترین موانع و مشکلات ساختاری پیرامون حکومت علوی در راستای تحقق عدالت اجتماعی را اینگونه برشمرد:

جدول شماره ۱- موانع ساختاری تحقق عدالت اجتماعی

ردیف	نمونه موردی حکومت علوی
۱	عدم توسعه آموزه‌های دینی
۲	تغییر نگرش جامعه نسبت به ارزش‌ها
۳	گم‌گشتگی حق‌نگری
۴	وارد شدن اصطلاح قیصرگرایی و کسری‌گرایی در فرهنگ اجتماعی عرب
۵	تبدیل مادیت به ارزش اجتماعی

منبع: از جاهلیت تا جاهلیت، صص ۵۴-۷۸

بحث را با ارزیابی سیاست‌های امام در توزیع ثروت دنبال می‌کنیم.

سیاست‌های امام علی(ع) در توزیع اجتماعی ثروت

پیش از سنجش عملکرد مولای متقیان در زمینه توزیع ثروت، لازم است منابع مالی درآمدهای حکومت ایشان را توضیح دهیم و سپس به تبیین سیاست‌های توزیع ثروت بپردازیم.

منابع درآمدهای مالی

در زمان امام علی(ع)، شامات از حکومت ایشان جدا شد و معاویه با برقراری حکومتی مستقل، تمامی ارتباطات خود با مرکز خلافت را قطع نمود. بنابراین، امام علی(ع) تنها بر مصر، سواد، ایران و جزیره‌العرب حاکمیت داشت و از این رو درآمدهای مالی حکومت نیز کاهش پیدا کرد.

علاوه بر این، در همان ابتدای حاکمیت امام علی(ع) بخش‌های شرقی ایران (مانند سیستان و خراسان) نیز علیه حکومت مرکزی دست به شورش زدند^(۱۳) و جزیه و خراجی که از ناحیه این سرزمین‌ها به مرکز خلافت می‌رسید نیز قطع شد.

در مورد سایر منابع نیز وضع بدین شرح بود:

الف - غنایم: در دوره خلفای قبلی، به‌ویژه در برهه خلافت عمر، غنایم و خمس آنها، بالاترین میزان درآمد مسلمانان را تشکیل می‌داد و دستگاه خلافت نیز از این راه بهره‌های فراوان می‌برد. اما حکومت اصلاحی امام علی(ع) در ابتدای راه، با اغتشاشات داخلی مواجه شد و تحولات سیاسی، اجتماعی و فرهنگی در جامعه اسلامی را سرلوحه برنامه‌های خود قرار داد و حکومت را صرفاً وسیله‌ای دانست برای گسترش عدالت در میان مردم، حصول برادری پیروان مکتب اسلام و هدایت مردم به نوعی از زندگی که در آن اصول قرآن و دستورات پیامبر اکرم(ص) حاکم باشد.

از این‌رو، تمام توجه حکومت به تغییرات و تحولات درونی جامعه معطوف شد و از لشکرکشی برای تصرف مناطق جدید و جذب غنایم خودداری به عمل آمد؛ به این ترتیب حکومت از این منبع درآمد نیز محروم گردید.

ب - جزیه: امام علی(ع) در زمان خلافت خود، ظاهراً نظام جزیه‌ای حکومت‌های قبلی را پذیرا شد و تغییر اساسی در آن به وجود نیاورد اما میزان کلی مالیات حکومت ایشان، به دلایل زیادی، کاهش درآمد از محل جزیه را نشان می‌دهد. از جمله این دلایل می‌توان به موارد زیر اشاره داشت: از زمان برقراری نظام جزیه، بیش از دو دهه می‌گذشت و قانون اسلام نیز این بود که هرگاه افراد اهل ذمه، اسلام بیاورند، جزیه (مالیات سرانه) به آنان تعلق نمی‌گیرد. از این رو، با گذشت زمان و اقبال مردم به اسلام، میزان جزیه نیز کاهش یافت. با جدا شدن شامات، شورش در شرق ایران و پایان حکومت امام(ع) بر مصر، میزان جزیه این مناطق نیز حذف شد یا کاهش پیدا کرد.

مجموع جزیه خراسان بزرگ در زمان عثمان ۷,۴۰۰,۰۰۰ درهم بدون برده، گندم و جو^(۱۴) بود، در حالی که با شورش در خراسان و سیستان، جزیه نیز از درآمد مالی حکومت مرکزی حذف گردید، جزیه‌های شام و قبرس نیز قطع شد و از مجموع قرائن و شواهد باقی‌مانده از دوران عثمان و تداوم آن در زمان امام علی(ع)، می‌توان نتیجه گرفت که در صورت تداوم آن شرایط، درآمدهای مالی حکومت امام علی(ع) از جزیه چنین بوده است:

بنابراین، مجموع درآمدهای مالی امام علی(ع) از راه جدول شماره ۲- درآمدهای حکومت علوی از طریق جزیه

ناحیه	درهم
جزیره	۲۰۰,۰۰۰
سواد	۲۱,۷۸۰,۰۰۰
مصر	۲,۰۰۰,۰۰۰
گیلان	۵۰۰,۰۰۰
دماوند	۲۰۰,۰۰۰
مجموع	۲۴,۶۸۰,۰۰۰

منبع: (خراج و نظام های مالی دولت‌های اسلامی، صص ۱۰۷-۱۵۰)

جزیه، ۲۴,۶۸۰,۰۰۰ درهم در سال بوده که نسبت به درآمد خلفای پیشین کاهش فاحشی را نشان می‌دهد.

ج - خراج: یکی دیگر از منابع مالی حکومت امام (ع)، خراج بوده است که از راه آن، هزینه‌های جاری و عطایا پرداخت می‌شد و با توجه به این که سیاست امام در مورد تحصیل خراج، توجه به وضعیت کشاورزان و استفاده بهینه از زمین بود، از کارگزارانش می‌خواست که با مؤدیان مالیاتی رفتار حسنه داشته باشند و از اتلاف منابع طبیعی خودداری نمایند.

ایشان در نامه به مالک اشتر چنین دستور دادند: «جریان خراج را به گونه‌ای رسیدگی کن که وضع خراج‌دهندگان، سامان یابد؛ زیرا اگر امر خراج‌گزاران بهبود پیدا کند، دیگر اصناف جامعه در آسایش و راحتی زندگی می‌کنند. طبقات دیگر جامعه، جز با تکیه بر اینان آسایش و راحتی ندارند، زیرا مردم همگی جیره‌خوار مالیات و مالیات‌دهندگانند.

باید توجه تو در آبادانی زمین بیشتر از دقتی باشد که در گرفتن مالیات به عمل می‌آوری؛ زیرا دریافت خراج جز با آبادانی زمین ممکن نمی‌شود. کسی که بدون کوشش در آبادانی زمین، از مردم خراجی بخواهد، شهرها را ویران کرده و بندگان خدا را به هلاکت رسانده است و بی‌شک چنین حکومتی عمر طولانی نخواهد داشت»^(۱۵).

به طور طبیعی نتیجه چنین سیاستی، خدمت به اقشار کم‌درآمد و تقلیل درآمدهای مالیاتی در کوتاه مدت است اما در درازمدت با ایجاد ارتباط متقابل میان دولت و ملت و تحکیم اعتماد فی‌مابین، خراج افزایش می‌یابد اما متأسفانه دولت امام علی (ع) چندان طول نکشید.

امام علی (ع) پس از رسیدن به حکومت، قراردادهای خراج و جزیه حکومت عمر را محترم شمرد و برمنوال آنها مالیات دریافت نمود اما سیاست اقطاعی عثمان را که زمین‌های سواد، بصره و مناطق حاصلخیز دیگر را به تیول واگذار کرده بود، العا کرده، با آنها به مبارزه برخاست و در ضمن کلامی فرمود:

«به خدا سوگند اگر چیزی را که عثمان بخشیده، بیابم به صاحبش باز می‌گردانم هر چند مهر زنان شده باشد. همانا در دادگری، گشایش است و آن که از دادگری به تنگ آید، از ستم بیشتر به تنگ خواهد آمد»^(۱۶).

امام در تحلیل کلان، عمل اقطاعی عثمان را نمی‌پسندید و آن را با روح اسلام و جوهره دین در تضاد می‌دید؛ بنابراین مزارع، املاک و باغ‌های این چینی را به نفع بیت‌المال مصادره نمود. محققانی که در تاریخ اسلام مطالعه و نظام‌های مالی خلفا را بررسی کرده‌اند، می‌گویند که از سال ۳۰ هجری، به بعد درآمد خلفا به طور متوسط سالانه چنین بوده است:

اگرچه در مورد خراج ایران و یمن، عدد قاطعی در تاریخ

جدول شماره ۳ - متوسط درآمد سالیانه خلفا

درهم	ناحیه
۱۳۵,۰۰۰,۰۰۰	عراق
۴۰,۰۰۰,۰۰۰	مصر
۳۴,۰۰۰,۰۰۰	جزیره
۵۰,۰۰۰,۰۰۰	ایران و توابع
۸۰,۰۰۰,۰۰۰	یمن
۳۳۹,۰۰۰,۰۰۰	مجموع

منبع: (تاریخ یعقوبی، ج ۲، ص ۱۶۷)

وجود ندارد و همچنین منطقه جزیره (شمال عراق) تنها سه سال در اختیار امام علی (ع) بوده و به تصرف نیروهای معاویه درآمد، اما می‌توان حدس زد که امام علی (ع) در مجموع حدود سیصد میلیون درهم، درآمد از محل خراج داشته است.

د - زکات: شاید بتوان گفت پس از خراج، زکات مهمترین منبع درآمد حکومت علی (ع) بوده است. صاحب جواهرالکلام می‌گوید:

«خلفای پس از پیغمبر (ص)، صدقات را جمع‌آوری و کارگزارانی را نیز برای جمع‌آوری آن اعزام می‌کردند»^(۱۷). امام علی (ع) نیز در مورد شیوه صحیح جمع‌آوری زکات و نحوه رفتار کارگزارانش با مردم، به مسائل اسلامی انسانی و عواطف بشری توجه فراوان داشت و در همین زمینه به یکی از کارگزارانش چنین سفارش نمود:

«چون به قبیله‌ای رسیدی، بر سر آب آنها فرود آی، بدون اینکه به خانه‌هاشان درآیی؛ پس از آن با آرامش و وقار به سوی آنان برو تا پیش آنها بایستی و سلام بر آنها را کوتاه مکن و بگو: بندگان خدا، مرا ولی و خلیفه خدا، به سوی شما فرستاده است تا حق خدا را از اموالتان اخذ کنم. آیا در اموال شما حقی هست که به ولی خدا ادا کنید؟ اگر کسی گفت: نیست، به او مراجعه نکن و اگر کسی به تو زکاتی داد با او برو، بدون اینکه او را بترسانی یا به مشقت بیندازی...»^(۱۸)

به واقع، سیاست امام(ع) در مورد اخذ زکات براساس خوداظهاری مؤدیان متمرکز بود که به روابط حسنه بین دولت و ملت منجر می‌شد و فاصله میان حکومت و جامعه را کاهش می‌داد. از دیدگاه امام علی(ع) مالیات زکات، حق مستمندان و طبقه تهیدست جامعه است و از این رو در جمع‌آوری، نگهداری و رساندن آن به صاحبانش، باید کمال دقت را داشت.

ه - عشور: یکی دیگر از منابع درآمد دولت اسلامی، عشور است ولی شواهد و اشاراتی مبنی بر اینکه سیاست امام علی(ع) در این مورد چه بوده و در زمان ایشان چه مقدار تعرفه تجاری از بازرگانان مسلمان و غیرمسلمان دریافت می‌شده، در تاریخ نیامده است.

با توجه به منابع درآمد دولت امام(ع)، مشخص می‌شود که ایشان در دوران زمامداری جامعه اسلامی بیشتر از طریق زکات، جزیه و خراج، کسب درآمد کرده و از راه این منابع حدود چهارصد میلیون در سال‌هایی که جزیره، مصر، ایران و سواد جزیره‌العرب در اختیارشان بوده است، دریافت می‌کرده‌اند و در سال‌هایی که مصر و جزیره از کنترل امام خارج شد، این درآمد به کمتر از نصف تقلیل یافت.

می‌کرد و دیگری توزیع نابرابر و مبتنی بر امتیاز که به وسیله خلیفه دوم و سوم و براساس سبقت در اسلام انجام می‌گرفت؛ اکنون باید دید موضع مولا علی(ع) در قبال توزیع عطایا چگونه بوده است؟

امام در خطبه حکومتی خود پس از بیعت مردمی، روش خود را این‌گونه توصیف کرد:

«من شما را به راه روشن پیامبران می‌برم و دستوری را در میان شما اجرا می‌کنم که بدان مأمورم؛ زنهار، فردا آنان که دنیا غرقشان ساخته و به ملک و مال دنیا دل بسته‌اند، نهرها روان کرده‌اند و اسبان زیبا و کنیزکان ماهرو برگزیده‌اند، هرگاه ایشان را از این دارایی‌ها منع کردم و به اندازه حقشان به آنها دادم، سر به طغیان برندارند»^(۱۹)

به‌واقع از دید امام، اسلام، عمل به احکام آن و حر بودن، ملاک تقسیم عطایای عمومی بوده و ایشان بر این مبنا به اعطای مال می‌پرداختند.

امام(ع) عدول از برقراری تساوی بین افراد را، ظلمی نابخشودنی می‌دانست و بیان می‌کرد که «اگر اقالیم سبعة را به من بدهند تا خداوند را با گرفتن دانه‌ای از دهان مورچه معصیت کنم، چنین نخواهم کرد»^(۲۰).

برای امام(ع) رعایت اصول تساوی افراد در حقوق و مزایای اجتماعی، اصلی بود که هیچ‌گاه حاضر به معامله یا تغییر و تخفیف در آن نشد و تا آخرین لحظات عمر، از این اصل، پاسداری کرد به گونه‌ای که در حوزه خانواده خود نیز با اعمال کنترل شدید، از سوء استفاده آنها از بیت‌المال جلوگیری نمود و خود نیز از ابتدای خلافت تا لحظه شهادت از بیت‌المال بهره شخصی نبرد.

ارزیابی سیاست‌های امام در توزیع ثروت

در بررسی سیاست‌های علوی در راستای توزیع ثروت، باید به چند نکته اساسی توجه کرد:

۱- امام(ع) شرایط محیطی زمان خود را به خوبی می‌شناخت و می‌دید که عده‌ای از اصحاب، صاحب مزارع،

ملاک‌های توزیع ثروت

امام علی(ع) پیش از به حکومت رسیدن، دو نوع تجربه توزیع ثروت را دیده بود: یکی تقسیم مساوی و برابر بیت‌المال در میان افراد و بدون هیچ‌گونه برتری که پیامبر(ص) اجرا

باغ و کاخ‌های مجلل‌اند، ده‌ها برده و کنیز در خدمت دارند و صاحبان گنج‌هایی از طلا و نقره هستند که با تبر میان اعضای خانواده آنها تقسیم می‌شود، در حالی که بیشتر مردم از درآمدهای عمومی محرومند یا صاحب درآمد اندکی هستند.

۲- امام (ع) هم دوران متعادل و متوازن حکومت نبوی را دیده بود و هم دوران نامتعادل و طبقاتی خلفا را از صافی نگاه تحلیلی خود عبور داده بود، از این رو، با پیروی از سنت نبوی، سیاست توزیع برابر و عادلانه بیت المال را سرلوحه کار خود قرار داد و این سیاست تساوی‌گرایانه با واکنش‌های منفی و مخاطرات جدی مواجه شد.

امام در تقابل با رویکرد تنازعی اشرافیت عرب، به یاران نزدیک خود که از باب خیرخواهی اندکی مسامحه را در اجرای عدالت خواستار شده بودند، فرمود: «از من می‌خواهید پیروزی را با جور و ستم به دست آورم حال آنکه این مال از آن خداست»^(۳۱).

۳- وقتی امام علی (ع) برنامه‌های اصلاحی و حکومتی خود از جمله توزیع برابر بیت المال را اعلام کرد، در حقیقت جوهره انسان‌گرایی دین در عرصه حکومت‌داری و اجتماع را به نمایش گذاشت. ایشان انسان عصر خویش و نسل‌های بعد را با روح عدالت‌خواهانه اسلام آشنا ساخت و به بیانی امیرمؤمنان، تجسم عینی اسلام در عرصه جامعه و تاریخ بود.

نتیجه‌گیری

اصلی که با حکومت علوی در جامعه اسلامی و تاریخ اسلام جاودانه ماند، عدالت‌گرایی بود و علی (ع) با عدل کامل خود، در راه تأمین عدالت اجتماعی، اقداماتی نمود که پیکر مرده و بی‌جان قومیت عرب را روح و جانی تازه بخشید.

«موضوع عدالت اجتماعی همواره در رأس تمام موضوعات بود و عرب از برکت راهنمایی امام علی (ع)، با جهش نیرومند و آفریننده‌ای، این حقیقت را دریافت؛ به واقع قلب توانای علی (ع) در راه تحقق عدالت می‌تپید تا آنکه جان خود را

فدای این راه پاک ساخت»^(۳۲).

در یک برآیند کلی، سیاست‌ها و عملکردهای امام (ع) در دوران حکومت، با سیره نبوی مطابقت کامل دارد و شاید نتوان موردی را در زندگی و رفتار امام (ع) یافت که با رویه پیامبر اکرم (ص) مخالفت داشته باشد.

از زاویه‌ای دیگر، اعمال و رفتار امام علی (ع) برگرفته از ارزش‌های دینی و انسانی حاکم بر رفتار پیامبر بود ولی ارزش‌های حاکم بر رفتار خلفای ثلاثه، آمیخته‌ای از آرمان‌های اجتماعی جامعه عرب و هنجارهای دینی به شمار می‌رفت که از زمان پیامبر (ص) به یادگار مانده بود و همین نکته، تفاوت اصلی بین اعمال امام علی (ع) و خلفاست.

از نگاهی دیگر خلفا پس از پیامبر (ص)، سیاست‌های نابرابری در زمینه توزیع ثروت و قدرت اتخاذ کردند که باعث شد در قشر‌بندی اجتماعی، ساختاری نامتعادل و نامتوازن به وجود آید و فاصله اجتماعی بین طبقات افزایش یابد اما امام علی (ع) در دوران حکومت خود با در پیشگیری سیاست تساوی‌گرایانه در توزیع ثروت و قدرت و اجرای اصل شایسته سالاری، فاصله طبقاتی موجود در جامعه را کاهش داد و با تعدیل نابرابری‌های اجتماعی، به جامعه ساختاری متعادل و متوازن بخشید.

از این رو، بررسی ماهیت ارزش‌های مستقر در حکومت علوی این نکته را گوشزد می‌کند که ایشان در مسیر تحقق عدالت در دو وجه اقتصادی و اجتماعی و ایجاد همگامی میان کارکرد اجتماعی عدل و ملازمه معنایی این کلیدواژه راهبردی با مفهوم آزادی مشروع، بیش از هر چیز بر جوهره انسانیت و تأثیرات نگاه متقیانه بر ساحت تفکر اجتماعی مدیران تأکید دارد. در این میان، باید توفیق بی‌نظیر این امام همام در اجرای درست و هدفمند عدالت و مساوات اقتصادی و تعدیل نابرابری‌های اجتماعی در بحرانی‌ترین شرایط محیطی ناشی از کمبود منابع درآمدی را به‌عنوان یک الگوی بی‌بدیل در مسیر دید محققانه خود قرار داد و با تأسی از آموزه‌های علوی، حکومتی اصیل را بر مبنای ارزش‌های دینی بنیان

جدول شماره ۴ - گونه‌شناسی نظام‌های حکومتی صدر اسلام بر مبنای ارزش‌های مسلط

<ul style="list-style-type: none"> ● شیخ سالاری ● حاکمیت نسبت و خون در شکل‌دهی به روابط اجتماعی ● بت پرستی ● تسلط نظام ربا بر مناسبات مالی 	الف - نظام اجتماعی قبیله‌ای جاهلیت
<ul style="list-style-type: none"> ● توحید و فرهنگ‌سازی به وسیله قرآن ● عدل دولت بر ملت و عدل ملت بر دولت ● اجرای قانون زکات ● توصیه جامعه به پرداخت صدقه 	ب - ارزش‌های مسلط نظام نبوی
<ul style="list-style-type: none"> ● قیصرگرایی و کسری‌گرایی ● نظریه صدور اسلام ● عروبت 	ج - ارزش‌های اجتماعی نظام شیخین
<ul style="list-style-type: none"> ● قوم و خویش پرستی ● محو منتقدان ● تسلط هنجارهای فرهنگ کسری بر تفکر و عمل خلیفه و کارگزارانش 	د - ارزش‌های نهادینه شده نظام عثمانیه
<ul style="list-style-type: none"> ● آزادی، عدالت، رفاه (هرم راهبردی اجرایی) ● خدا، قرآن، نبوت (هرم موضوعی ارزش‌ها) ● کسری‌زدایی از فرهنگ اجتماعی 	هـ - آرمان‌های مسلط نظام علوی
<ul style="list-style-type: none"> ● احیای ارزش‌های جاهلیت ● نژادگرایی ● اسطوره‌سازی ● قرآن ستیزی 	و - ارزش‌های نظام اموی

منبع: از جاهلیت تا جاهلیت، صص ۱۵-۱۷

نهاد؛ امارتی که طبق ایدئولوژی‌های قرآنی، نگاهی منظم و قاعده‌مند را در فعلی خداپسند و قولی خدا باور متجلی می‌سازد و بی‌شک جامعه تربیت شده در بستر چنین حکومتی، توانایی بالایی در مدیریت و مهار بحران داراست و از پل لرزان اجرای طرح‌های راهبردی، با صلابت و قدرتی ایمانی عبور کرده و به منزلی امن خواهد رسید. برای تبیین واضح‌تر بحث، به گونه‌شناسی نظام‌های سیاسی صدر اسلام در قالب جدول شماره ۴ اشاره خواهیم داشت:

* کارشناس و دانش‌پژوه تاریخ اسلام

در نگاهی دیگر می‌توان تأثیر سازه‌ها بر موفقیت و شکست

جدول شماره ۵ - تأثیر سازه‌ها بر موفقیت و شکست یک حکومت

شام	کوفه
<ul style="list-style-type: none"> ● سابقه و قدمت طولانی (معاویه در سال ۱۸ هجری به امارت شام منصوب می‌شود) ● دسته‌بندی متشکل اجتماعی (همگرایی اجتماعی) ● یگانگی آرا ● دشمن تراشی برای وحدت اجتماعی ● بیگانه‌ستیزی ● تبدیل خلافت به سلطنت 	<ul style="list-style-type: none"> ● نوپایی ساختاری (تأسیس ۱۸ هجری) ● دسته‌بندی متفرق اجتماعی (واگرایی اجتماعی) ● تشتت آراء ● عدل ستیزی ● مردم‌ستیزی (بحران خوارج) ● شهادت رهبر جامعه

منبع: از جاهلیت تا جاهلیت، صص ۶۵-۶۷

پی‌نوشت:

- ۱- بیست‌گفتار، ص ۸ تا ۱۱؛ امام علی (ع) صدای عدالت انسانی، ج ۴، ص ۲۹۸.
- ۲- بحارالانوار، ج ۳۲، ص ۱۷.
- ۳- نهج البلاغه، خطبه‌های ۱۵، ۹۲ و ۱۳۶.
- ۴- مناقب آل ابی‌طالب، ج ۲، ص ۹۹.
- ۵- انساب الاشراف، ج ۵، ص ۵۲ به بعد.
- ۶- شرح ابن‌ابی‌الحدید، ج ۷، ص ۳۷-۴۲ و ج ۱۶، ص ۲۳.
- ۷- انساب الاشراف، ج ۲، ص ۱۴۱.
- ۸- همان.
- ۹- بحارالانوار، ج ۴۱، ص ۱۰۶.
- ۱۰- سخن ابوبکر این بود: پیامبر با وحی یاری می‌شد اما دست من از وحی کوتاه است و به مصلحت اندیشی و اجتهاد عمل می‌کنم.
- ۱۱- نهج البلاغه، نامه ۵۳.
- ۱۲- همان، خطبه‌های ۱۶، ۱۹۲ و ۲۳۳.
- ۱۳- بحارالانوار، ج ۳۲، ص ۳۵۷.
- ۱۴- تاریخ یعقوبی، ج ۲، ص ۵۷-۶۰.
- ۱۵- نهج البلاغه، نامه ۵۳.
- ۱۶- همان، خطبه ۱۵.
- ۱۷- جواهر الکلام، ج ۱۵، ص ۴۱۶.
- ۱۸- نهج البلاغه، نامه ۵۳.
- ۱۹- بحارالانوار، ج ۳۲، ص ۱۷.
- ۲۰- نهج البلاغه، خطبه ۲۲۴.
- ۲۱- همان، خطبه ۱۲۶.
- ۲۲- حسن صدر، مرد نامتناهی، علی بن ابی‌طالب(ع)، ص ۱۵۴.

منابع:

- ۱- اشرف سامی، غلامرضا؛ تحلیلی از مدیریت اسلامی در پنج سال رهبری امام علی(ع)، قم، بعثت، ۱۳۶۴.
- ۲- الریس، ضیاء‌الدین، خراج و نظام‌های مالی دولت‌های اسلامی، ترجمه فتحعلی اکبری، اصفهان، انتشارات دانشگاه اصفهان، ۱۳۷۲.
- ۳- بهدادی‌مهر، نیما؛ از جاهلیت تا جاهلیت، جزوه تحلیلی تطبیقی اسلام و ایران، ۱۳۸۴.
- ۴- پرینچی، سید کاظم؛ از غدیر تا عاشورا، انتشارات نسیم کوثر، چاپ اول، ۱۳۸۲.
- ۵- جعفریان، رسول؛ تاریخ تحول دولت و خلافت، مرکز انتشارات دفتر تبلیغات اسلامی، چاپ سوم، ۱۳۸۰.
- ۶- خان محمدی، جمعه؛ تعدیل نابرابری‌های اجتماعی در دولت امام علی(ع)، قم انتشارات شیعه‌شناسی، ۱۳۸۵.
- ۷- دشتی، محمد؛ امام علی (ع) و مباحث تربیتی، موسسه فرهنگی تحقیقاتی امیر المومنین (ع)، چاپ اول، ۱۳۷۹. دلشاد تهرانی، مصطفی؛ حکومت حکمت، خانه اندیشه جوان، چاپ سوم، ۱۳۷۸.
- ۸- رحیم پور ازغدی، حسن؛ علی (ع) و شهر بی آرمان، انتشارات سروش، چاپ ششم، ۱۳۸۳.
- ۹- زورق، محمدحسن؛ شهر گمشده، دفتر نشر فرهنگ اسلامی، چاپ چهارم، ۱۳۸۷.
- ۱۰- سعید، ایوب؛ از ژرفای فتنه، ترجمه سیدحسن اسلامی، قم، مرکز بررسی‌های اسلامی الغدیر.
- ۱۱- شهیدی، سید جعفر؛ علی از زبان علی، دفتر نشر فرهنگ اسلامی، چاپ بیست‌ویکم، ۱۳۸۲.
- ۱۲- کتانی، سلیمان؛ امام علی (ع) مشعلی و دژی، ترجمه جلال‌الدین فارسی، انتشارات برهان، چاپ دوم، ۱۳۵۷.
- ۱۳- مطهری، مرتضی؛ بیست‌گفتار، انتشارات صدرا، چاپ اول، ۱۳۵۸.
- ۱۴- موسوی کاشانی، سید محمد حسن؛ بر امیر مومنان چه گذشت؟، دارالکتب اسلامی، چاپ پنجم، ۱۳۸۱.
- ۱۵- ورداسبی، ابوذر؛ مالکیت و ملکداری در سنت پیامبر (ص) و علی (ع)، نشر عدالت، چاپ اول، ۱۳۵۷.
- ۱۶- یوسفی، احمدعلی؛ نظام مالی اسلام، تهران، پژوهشگاه فرهنگ و اندیشه اسلامی، ۱۳۷۹.



تئوری بازی‌ها^(۱)

Game Theory

تهیه و تدوین: وحید یگانگی دستگردی



چکیده:

تئوری بازی‌ها، شاخه‌ای از ریاضیات کاربردی است که در علوم اجتماعی و به‌ویژه در اقتصاد شهری، زیست‌شناسی، مهندسی، علوم سیاسی، روابط بین‌الملل، علوم کامپیوتر و فلسفه مورد استفاده قرار گرفته است. تئوری بازی‌ها، در تلاش است با کمک گرفتن از ریاضیات، رفتار را در شرایط راهبردی یا بازی‌ها، که در آنها موفقیت فرد یا بنگاه در انتخاب کردن، وابسته به انتخاب دیگران می‌باشد، تحلیل کند. یک بازی شامل مجموعه‌ای از بازیکنان، مجموعه‌ای از حرکات یا راهبردها^(۲) و نتیجه مشخصی برای هر ترکیب از راهبردها می‌باشد. پیروزی در هر بازی تنها تابع احتمالات نیست بلکه اصول و قوانین ویژه خود را دارد و هر بازیکن در طی بازی سعی می‌کند با به کارگیری آن اصول خود را به برد نزدیک کند. رقابت شهرها برای دستیابی به منابع مالی، سرمایه انسانی، جذب شرکت‌های بین‌المللی و رقابت شرکت‌های تجاری در بازار بورس کالا نمونه‌هایی از بازی‌ها هستند. تئوری بازی، تلاش می‌کند تا رفتار ریاضی حاکم بر یک موقعیت استراتژیک (تضاد منافع) را مدل‌سازی کند. این موقعیت زمانی پدید می‌آید که موفقیت یک فرد، یک شهر، یک شرکت و... وابسته به راهبردهایی است که دیگران انتخاب می‌کنند. هدف نهایی این دانش، یافتن راهبرد بهینه برای بازیکنان است.